



عدالت و محبت از دیدگاه حضرت علی (ع)

محمداسلامی چاهوئی

کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه پیام نور قشم، ایران

E-mail: (mohammadeslamii93@gmail.com)

چکیده

اجرای عدالت و استقامت در برابر تهاجم نیروها و انگیزه های شیطانی محسوس و نامحسوس برای استوار سازی عدالت در جامعه و در محیط زندگی و کار، بسی دشوار می نماید و هر کسی نمی تواند بدان دست یازد، بلکه پولادین مردانی می باید که پای در صحنه گذارند و راست قامت و علی وار در برابر حمله های شیطانی درون و خواسته های خویشان و دوستان بایستند و با گفتن قاطعانه (نه)، به علی و علویان تاریخ اقتدا کنند. حضرت علی (ع)، همگان را در برابر قانون مساوی می دانست و با پیروی از سنت پیامبر اکرم (ص) چنان به اجرای عدالت پرداخت و زندگی مردمان را از آن سرشار ساخت، که سیره او تجسم عینی و کمال عدالت و در گستره تاریخ و آفاق حیات بشری (فریاد رسای عدالت انسانی) و تجسم قسط قرآنی نامیده شد. مهمترین و کارآمدترین تعریفی که درباره ی عدالت آمده است، که حکومت قانون و فراهم آوردن زمینه استفاده همگان از امکانات عمومی جامعه در زمره آنهاست و در فقه اسلامی تعریف روشنی از آن وجود ندارد (از عدالت). بنابراین بر پایه آیات قرآن و سیره ی پیامبر و اهل بیت و حضرت علی (ع)، قانون باید در حق همه اجرا شود و رهبر و قاضی باید به عدالت رفتار کنند و نیز قانون باید عادلانه باشد؛ بدین سان که باید با در نظر گرفتن حقوقی که خداوند متعال برای هر قشر و گروه وضع کرده است قانونگذاری شود. و باید در وضع قوانین اقتصادی فقر زدایی و بر آوردن نیازهای اصلی مردم ملاحظه شود. در قسمت اول این مقاله پس از واژه شناسی عدالت، به بیان ضرورت عدالت و مفهوم عدالت، عدالت در اندیشه سیاسی حضرت علی (ع)، عدالت در نهج البلاغه، اهداف نظام سیاسی، عدالت در اجرای حدود و قوانین، تأثیر عدالت بر تداوم حکومت مهمترین نکته های مربوط به عدالت در نهج البلاغه و روش حضرت علی (ع) در اجرای عدالت پرداخته می شود. در قسمت دوم ابتدا کلمه محبت را واژه شناسی می کنیم بعد آن را در نهج البلاغه بررسی می نماییم و سپس آسیب های محبت را بررسی می کنیم .

واژه های کلیدی: امام علی (ع)، نهج البلاغه، عدالت، محبت، حکومت .



مقدمه:

ارجمندی و فضیلت عدالت

عدالت از دیرباز آرمان محبوب بسیاری از انسانها بوده است، بویژه دانشوران و آنان که احساس مسئولیت بیشتری در برابر مسائل و رخداد های اجتماعی داشته اند، بسیاری آرزو داشته اند استقرار عدالت را در جامعه خود به تماشا بنشینند و گروهی از آنان برای رسیدن به این هدف والا جان باخته اند.

در آیات قرآن و سخنان و سیره معصومان به ویژه رفتار امیر مومنان علی (ع) عدالت جلوه ای دیگر دارد. براساس آیات و روایات، عدالت از هدف های بعثت پیامبران است. که پیامبر خاتم نیز مأمور بدان است «لقد أرسلنا رسلنا بالبینات و أنزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقیموا الناس بالقسط»^۱ معنی: ما پیامبرانمان را با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنان کتاب و ترازو فرو فرستادیم تا مردم قسط و عدل را به پا دارند. در روز قیامت انسان عادل به خدا نزدیکتر و محبوب اوست. حیات جامعه در پی ستم به کالبد بی روحی می ماند که مرده است و عدالت در آن روح حیات می دمدمد. از عسل شیرین تر و از مشک خوش بو تر است، رحمت و عنایت الهی را در پی می آورد.

عدالت موهبتی است الهی، با فضیلت ترین خصلت هاست. انسان عادل از آرامش و سلامت روحی برخوردار است. عدالت اجتماعی سبب عمران و آبادانی کشور می شود مصلحت دین و دنیای آدمی را فراهم می آورد. عدالت ترازو و میزانی است که خداوند سبحان برای مردم نصب کرده تا حق به پا داشته شود و نباید با میزان و ترازوی خداوند مخالفت شود.

عدالت برترین جزء ایمان است، عدالت کرامت و پیروزی است. اجرای عدالت میان مردم سبب ریشه کن شدن فقر در جامعه می شود.

از نگاه قرآن فرد و جامعه ای که از عدالت بر خوردار نیست، به انسان لالی می ماند که افزون بر آن که نمی تواند سخن بگوید، بسی ناتوان است و قدرت دست یافتن به روزی خود را ندارد و سر بار دیگران می باشد و در پی هر کاری که بر آید، نومید و شکست خورده و بدون دست یابی به نتیجه ای، باز خواهد گشت.

«ضرب الله مثلاً رجلین أحدهما أبکم لایقدر علی شیء و هو کل علی مولاه اینما یوجهه لایات بخیر هل یستوی هو و من یأمر بالعدل و هو علی صراط مستقیم»^۲

«خداوند دو مرد را مثل می زند، یکی از آن دو گنگ است که بر هیچ چیز توانایی ندارد و سر بار خواجه خویش است. هر کجا که او را فرستد، نیکی و سودی نیارد. آیا او با کسی که به عدل و داد فرمان می دهد و برصراط مستقیم است، برابر است»

بدین سان، کسی که عدالت می ورزد و در جامعه ای که در آن عدالت استقرار یافته، در صراط مستقیم گام نهاده و شتابان به سمت هدف خود می رود و از نشاط، حیات و شادابی بر خوردار است. و جامعه ستم زده نیز به پیکری بی جان می ماند که نه تحرکی دارد، نه نشاطی و نه پویایی و به گفته حضرت علی (ع): عدالت، زندگی است.

۱-سوره حدید، آیه ۲۵.

۲-تفسیر المیزان، جلد ۱۲، صفحه ی ۴۳۲ و سوره نحل، آیه ۷۶.

چه بسیار کسانی که در سخن، از حق دم می زنند و در عمل از آن سر می پیچند.

حضرت در نهج البلاغ چنین می فرماید: حق در مقام سخن گسترده ترین پهنا را داراست ولی در مقام اجرا و عمل بدان در تنگنایی بی مانند است. (در مقام سخن به آسانی می توان آن را ستوده و آن را شرح داد ولی اجرای آن بسی دشوار است)^۱. در عرصه عدالت در سخنان و نامه های حضرت علی (ع) به ویژه نامه های



کسه به کارگزارانش نوشته شده است، نکته های راه گشا و بسیار سازنده فرا روی شیفتگان عدالت نهاده و راه آنان را برای رسیدن به این گوهر گرانبقدر نمایان کرد. ما در این مقاله به روشن ترین موارد اشاره می کنیم. زیرا تتبع کامل در همان هفتاد مورد مشتقات عدالت در سراسر نهج البلاغه هم، به درازا می انجامد، تا چه رسد به بررسی گسترده در مصادر و مدارک اسلامی مشتمل بر سخنان حضرت علی (ع) که خیلی زیاد هستند. و درک فهم تمامی اطراف و اکناف وجودی حضرت علی (ع) برای هر کس و در هر مرحله ای ممتنع و محال است. این تحقیق به روش کتابخانه ای با استفاده از منابع در دسترس در کتابخانه بنیاد نهج البلاغه واقع در میدان شهید، روبروی مدرسه حجتیه انجام گردیده است. در پایان از راهنمایی های دو استاد عزیز، استاد روحانی مجد و استاد نیکزاد کمال تشکر و قدر دانی را بعمل می آورم.

۱- «واژه شناسی عدالت»

در لغت به معنای ؛ عادل بودن ، انصاف داشتن، داد گری و داد گر بودن^۲.

و در لغت نامه ی دهخدا عدالت از ریشه ی عدل به معنای داد گری کردن ، عدالت کردن است . و نیز کلمه ی عدل ، مقابل ستم، مقابل بیداد ، داد (دستور الغه) یا مقابل جور، ضد جور ، نقیض جور(منتهی الارب). (اقراب الموارد) مقابل ظلم، قسط، انصاف ، و امری بین افراط و تفریط (از قطر المیط). (از اقراب الموارد) مساوات در مکاوات به نیکی نیکی ، و به بدی بدی. جاهایی نیز داوری به حق و مساوی آزر م معنی شده است. بدان ای گرامی نیکو نهاد بیاید که کوشی بعدل و بداد (فرودسی).^۳

در اصطلاح مفهوم عدالت در سه معنی به کار می رود:

۱- عدل الهی ۲- عدالت فردی به عنوان خصیصه و صفت انسان هایی که شرط احراز دسته ای از مناصب شرعی است ۳- عدالت اجتماعی.

الف) عدل الهی

بی شک خداوند متعال عادل است و همه ی مسلمانان بر آن اتفاق نظر دارند. و در آیات متعددی از قرآن آمده و خداوند به روشنی ظلم را از ساحت خود نفی می کند.

ب) عدالت فردی

از دیگر مفاهیم عدل که در فقه و اخلاق کاربرد فراوان دارد، عدالت فردی است که میان مشهور ترین نظرات آن است؛ عدالت یک ملکه انسانی است که فرد را از انجام گناهان باز داشته، به عمل به واجبات شرعی وامی دارد.

۱- حضرت علی (ع) ، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، خطبه ۲۱۶. (الحق الموسع الأشیا فی التواصیف و اضیقها فی التناصف)

۲- فرهنگ فارسی عمید، تهران؛ چاپ خانه ی سپهر، ۱۳۷۴، جلد سوم ، صفحه ی ۱۷۰۴

۳- علی اکبر ، دهخدا، لغت نامه دهخدا ، تهران ؛ مؤسسه لغت نامه دهخدا، مهر ۱۳۴۱، جلد ۳۳ ، صفحه ی ۱۲۱.

ج) عدالت اجتماعی عبارتست از ؛ عدالت در گستره اجتماع اعم از حوزه مسائل اقتصادی اجتماعی و فرهنگی تا آنجا که در قلمرو اختیارات و فعالیت های حکومت قرار می گیرد. و حور این مقاله و پژوهش می باشد.

ضرورت عدالت

امام دادگران به حق، معتقد است که عدل و داد اهم ضرورات، بلکه نظام بخش زندگانی افراد جامعه هاست و او اگر خلافت را پذیرفت، جزایای عدالت، دادگری و بسط قسط و عدل و احقاق حقوق و اقامه حدود و حمایت



از مظلومان و مستضعفان و مقابله با طغیان گران و زورگویان، هدف و مقصدی نداشت. چنان که از سراسر کلمات و سخنان و مکتوبات وی آشکار و از سراسر حالات و رفتار و برخوردها و ارتباطات وی مشهود و محسوس است.

علی (ع) می گوید: «إن فی العدل سعه و من ضاق علیه العدل فالجور علیه أضحیق»^۱
حرکت کردن و نفس کشیدن، تنها در چهار چوب عدل و داد میسر است. تا هم آزادیها و اختیارات انسانی، محفوظ و پایدار بماند و هم نظام قوانین و مقررات شخصی و جمعی مردم رعایت و ملحوظ گردد. آن کس که از محدوده عدل، احساس تنگی کند و نتواند خود را با اصول عدالت تطبیق دهد، بداند که تنگنای ظلم و جور، شدید تر و خفقان آورتر است. علی (ع) هیچ گاه افراد را، جدای از جامعه و حقوق آن نمی نگرد و دنیا را جز به عنوان گذر گاهی جهت رسیدن به زندگانی ابدی و پایدار نمی بیند. او چنین است که خود می گوید: «کیف اظلم احدا لنفس یسرع إلی البلی قفولها و یطول فی الثری حلولها»^۲

چگونه ظلم و ستم بر دگران را روا بدارم، به خاطر موجودی ضعیف که با سرعت به سوی کهنگی و فرسودگی پیش می رود. اما قرنهای طولانی ومدتهای مدید در اعماق خاک تیره قبر باقی می ماند و به سر می برد؟ علی نقش مردم را در اقامه ی قسط و عدل اساسی می داند و حکومت را بر انجام مو شکافانه و صریح، قاطع و استوار آن مأمور می خواند. عدالت برای خود و دیگران ارمغان است «آنچه را بر خود نمی پسندی بر دیگران می پسند» و این تنها رهبری است که اول خود رامصداق عدالت می سازد و پس از آن بر دیگران جاری می سازد.

مفهوم عدل

به معنای «برابری و همسانی و همسویی». مفهوم آن بیشتر از ضد آن بدست می آید. لذا دانشمندان لغت شناس چنین گفته اند: «العدل نقیض الجور»^۳

از کلمه ی نقیض استفاده می شود که عدل و جور، ثالثی ندارند، لهذا نقیضین هستند که هم اجتماع و هم ارتفاع آنها با همدیگر، منتفی است و هر کدام که نباشد، آن دیگری وجود خواهد داشت.

اهمیت عدالت

وقتی از امام علی (ع) سؤال شد که کدامیک از عدل و جود برتر است امام فرمودند: عدالت کارها را بدانجا می نهد که باید. و بخشش آن را از جایش برون نماید. عدالت؛ تدبیر کننده ای است به سود همگان و بخشش به سود خاصگان. پس عدل شریفتر و با فضیلت تر است.^۴

۱- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، خطبه ۱۵،

۲- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، خطبه ۲۱۵.

۳- معجم مقابیس الغه، جلد ۳، صفحه ی ۲۴۷.

۴- سید جعفر، شهیدی، شرح و ترجمه نهج البلاغه، تهران؛ انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، کلمات قصار ۴۳۷، صفحه ی ۴۴۰.

حضرت علی (ع) عدل را رستگاری و کرامت، برترین فضایل و بالاترین موهبت الهی می دانند و آن را مانوس خلاق و رعایت آن را موجب افزایش برکات ذکر می فرمایند.^۱

در تعلیمات اسلامی عدالت ضامن بقا و سلامت جامعه محسوب می شود. حضرت علی درحکمت ۴۳۷ نهج البلاغه می فرماید: عدل بالاتر از بخشندگی است. علی معتقد است عدالت نباید فدای مصلحت شود و می فرماید: شما می خواهید عدالت را به پای سیاست قربانی کنم و ظلم و ستم باید به بند کشیده شود.

علی عدالت را در رأس امور قرار می دهد، تا از حکومت جائزانه و اشرافی فاصله گیرد و مدینه فاضله را بر اساس دستورات اسلام بنا نهد که انسانها، جدای از رنگ، نژاد، جنس و قبیله و طایفه نگریسته شود و مورد قضاوت قرار گیرند و از نعمت های زندگی به یکسان بهره مند شوند.



حضرت در خطبه ۴۱ خود را دشمن ستمکار و یاور ستمدیدگان معرفی می کند.
و قال علیه السلام فی قوله عزوجل «إن الله يأمر بالعدل والإحسان؛ العدل؛ الإنصاف والإحسان: التفضل»^۲
حضرت علی (ع) درباره ی معنی عدل و إحسان در فرمایش خدای عزوجل می فرماید؛ خداوند به عدل و احسان
امر می فرماید و فرموده است؛ عدل و دادگری ستم نکردن است و احسان و نیکی، جود و بخشش.
و سئل منه علیه السلام «ایما أفضل؛ العدل، أو الجود؟ فقال علیه السلام؛ العدل یضع الأمور مواضعها، و الجود
یخرجها من جهتها و العدل سائنس عام، و الجود عارض خاص فالعدل أشرفهما و أفضلهما»^۳
از حضرت علی علیه السلام پرسیدند؟ کدام یک از دادگری یا بخشش برتر است؟ آن حضرت فرمود:
دادگری چیزها را به جای خود می نهد، و بخشش آنها را از جای خود بیرون می نماید (زیرا جواد زیاده بر
استحقاق می بخشد) و عدل نگاهدارنده ی همگان است و جود فقط به کسی بهره می دهد که به او بخشش شده
؛ پس عدل شریفتر و برتر است .

و سئل علیه السلام عن التوحید و العدل فقال: «التوحید أن لا تتوهمه، و العدل أن لا تتهمه»^۴
از حضرت علی (ع) از معنی توحید و عدل پرسیدند؟ آن حضرت فرمود: توحید و یگانه دانستن خدا آن است که؛
او را در وهم و اندیشه نیاوری (که آنچه در اندیشه آید مانند تو مخلوق است) و عدل آن است که به آن چه
شایسته او نیست متهم نسازی. (زیرا کار ناشایست یا از جهل و نادانی است و یا از ناچاری و نیاز و خداوند از این
دو منزه است) .

عدل چیست؟

آن گونه که اندیشمندان اسلامی فرموده اند: گذاردن و نهادن امور در جای خود می باشد «وضع الامور
موضعها». توازن و تعادل معنای دیگر عدل می باشد، و در هر ظرفی به اندازه ی گنجایش آن، باری را نهادن و به
هر کس و هر چیزی به مقدار استعداد خویش و توانش عطا کردن و دادن، از مصادیق عدل است.

-
- ۱- جمال الدین محمد، خوانساری، العدل مالوف، بالعدل تتضاعف البرکات، شرح غرر الحکم و درر الکلم، به
تصحیح سید جمال الدین ارموی، تهران؛ انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰، جلد ۳، صفحه ی ۲۰۵،
 - ۲- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، حکمت ۲۲۳، صفحه ی ۱۱۸۸.
 - ۳- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، حکمت ۴۲۹، صفحه ی ۱۲۹۰،
 - ۴- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، حکمت ۴۶۲، صفحه ی ۱۳۰۱.

عدالت در اندیشه سیاسی امام علی (ع)

عدالت مفهوم وسیعی است که در هر حوزه ای کاربرد خاص خود را دارد و اختصاص به مکان، زمان یا فرد
خاصی ندارد و مراد از آن انجام کارها به نحوه شایسته و به موقع و به گونه ای که انجام آن کار بهتر از آن ممکن
نباشد و هیچ کوتاهی و افراط و تفریطی صورت نگرفته باشد که امکان رفع آن وجود داشته باشد.^۱
و بر هر صاحب بصیرتی واضح و روشن که هر صنفی از اصناف خلائق را شغل و عملی که دارند ناچار است از
استاد و معلمی که به تعلیم آن معلم، راه و روش آن عمل برایشان معلوم و صواب و خطای آن، ایشان را مفهوم
گردد. مثلا: شبانی نمودن چندرأس گوسفند مهمترین امورات اگر شخصی بدون تعلیم مرتکب شود، البته
گوسفندان از سرما، گرما یا تشنگی یا گرسنگی و یا به گرگ دادن هلاک می سازد. همچنین است بنایی و نجاری
و خیاطی و امثال آن از اشتغال و مهمات جزئی. چندان به آن عمل عظیم تر باشد، احتیاج به معلم مرشد بیشتر
خواهد بود و پر واضح است که هیچ کاری عظیم تر و دشوار تر از پادشاهی و جهان داری و سیاست ملک و ملت
نیست.^۲



حضرت علی (ع) همین معنا را در بیانی بسیار شیوا متذکر شده و عدل را بر چهار شعبه می داند که دو شعبه ی آن به ابعاد نظری و درونی انسان نگاه می افکند و دو شعبه دیگر ابعاد عملی و بیرونی را شامل می شود: «عدل بر چهار شعبه است؛ بر فهمی ژرف نگرنده و دانشی پی به حقیقت برنده نیکو داوری فرمودن و در بردباری استوار بودن»^۳

نظامی است که ضعیف ترین افراد جامعه بدون لکنت زبان حقشان را از اقویا و زورمندان می گیرند و حضرت علی (ع) بدون توجه به طبقه، لباس، شخصیت، خدمات افرادو... برای همه قانون را اجرا می فرمود. عدالت حضرت علی (ع) تا بدان حد رسید که با قاتل خود بر اساس آن رفتار نمود.^۴

حضرت علی در فرازی خطاب به دعوت دنیا دوستان و مرفهین بی درد می فرماید: اگر بخواهم می توانم از غسل ناب و مغز گندم و لباس نیکو بهره گیرم، ولی دور است که هوس بر من چیره گردد و مرا به خوردن غذا های لذیذ وا دارد، شاید که کسانی در حجاز یا در یمن باشند که به قرص نانی دست نیابند و شکمی سیر نکنند. آیا من شبها را به سیری، سپری کنم و در اطرافم شکم هایی گرسنه و جگرهایی تفتیده باشند؟

آیا به این دل خوش باشم که مردم مرا امیر المومنین گویند و من در ناگواریهای روزگار با آنها شریک نگردم و در سخت ترین زندگی ها با آنها سهیم نباشم، مرا برای آن نیافریده اند که به خوراک های لذیذ دست یابم و پروارانه به علف خواری بپردازم.^۵

-
- ۱- عبد الکریم بن محمدیحیی، قزوینی، بقا و زوال دولت در کلمات سیاسی امیر مومنان (ع)، قم؛ انتشارات کتابخانه عمومی آیت... مرعشی نجفی، ۱۳۷۱، صفحه ی ۴۸.
 - ۲- عبد الکریم بن محمد یحیی، قزوینی، بقا و زوال دولت در کلمات سیاسی امیر مومنان (ع)، قم؛ انتشارات کتابخانه عمومی آیت... مرعشی نجفی، ۱۳۷۱، صفحه ی ۸۹.
 - ۳- سید جعفر، شهیدی، شرح و ترجمه نهج البلاغه، تهران؛ انتشارات و آموزش اسلامی، ۱۳۷۱، کلمات قصار ۳۰۱، صفحه ی ۳۶۴.
 - ۴- سیده، مهاجر، علی اقیانوس عدالت، تهران؛ انتشارات پیام آزادی، صفحات ۴۸ تا ۵۸.
 - ۵- ذبیح الله، حسن زاده، امیر حکمت و عدالت، تهران؛ انتشارات مؤسسه فرهنگی رامین، تابستان ۱۳۸۰، صفحه ی ۶۸.

حضرت علی (ع) که آئینه تمام نمای عدالت بوده، با تمام وجود می کوشید که این صفت نیکو در جامعه اسلامی و مدینه دینی گسترش یابد. چون وقتی حضرت می تواند جامعه انسانیرا به کمال برساند، که مردم تابع دستورات و مقرراتش باشند و فرمانش را از دل و جان بپذیرند. حضرت علی (ع) می خواست آرمان های الهی را یکی پس از دیگری در میان مردم پیاده کند و فساد و تباهی را از جامعه اسلامی ریشه کن نماید. لذا با همه مظاهر شرک و ظلم و فساد مبارزه می کردند و از مشاهده صحنه های تبعیض و ستم و شرک و بی دینی رنج می بردند.^۱

عدالت و حکومت

به اعتقاد حضرت علی (ع) ملاک حکمرانی عدل است و عدالت محکومترین اساس و بنیانی است که در نظام اجتماعی وجود دارد و خداوند متعال عدالت را سبب قوام امور زندگانی مردم قرار داده تا از ظلم، نابسامانی و گناه در امان بمانند و احکام و قوانین به وسیله عدالت احیا و اجرا گردند.



حضرت علی (ع) بهترین نوع سیاست و حکومت را نوع مبتنی بر عدل دانسته و انتظام امور نظام سیاسی و مردم را به عدالت منوط کرده می فرماید :

تحقیقا بهترین چیز (نور چشم) برای حاکمان اقامه عدالت است و ظهور محبت مردم را به دنبال دارد و به درستی که محبت مردم ظاهر نمی شود مگر به سلامت سینه هایشان به خالی بودن از کینه و بغض حاکمان.

تأثیرات عدالت بر تداوم حکومت

امام علی (ع) معتقدند که: هیچ چیزی همانند عدالت دولتها را محافظت نمی کند.^۲ و عدل چنان سپر محکمی است که رعایت آن موجب تداوم قدرت و اقتدار نظام سیاسی می گردد. اجرای عدالت مخالفتها را از بین می برد و دوستی و محبت ایجاد می نماید و در عمران و آبادانی کشور (توسعه اقتصادی، صنعتی) تأثیر بسزایی دارد.

اگر عدالت در جامعه اجرا نشود ظلم و ستم جای آن را خواهد گرفت و ظلم جزاوارگی و بد بختی و درنهایت خشونت به دنبال نخواهد داشت.

حضرت علی (ع) خطاب به یکی از والیان خود می فرمایند :

«کار به عدالت کن و از ستم و بیداد بپرهیز که ستم رعیت را به آوارگی وادارد و بیدادگری شمشیردرمیان آرد»^۳

الف) عدالت در اجزای نظام سیاسی

حضرت علی (ع) مهمترین آفت نظام سیاسی را برابر دانستن افراد لایق و پر کار و خلاق با افراد ضعیف و نالایق می دانند و اصرار دارد که زحمت و رنج هر کس باید به خود او متعلق باشد و بزرگی فردی نباید موجب شود که کار کوچک او مهم جلوه داده شود، یا کار بزرگ و مهم یک فرد معمولی، هیچ انگاشته شود. بنابراین یک نظام سیاسی عادلانه بر طبق نظر امام علی (ع) این گونه است: «مبادا نکوکار و بدکار در دیده ات برابر آید که آن، رغبت نکوکار را در نیکی کم کند و بدکار را به بدی وادار نماید و رنج کسانی که کوشش کرده اند بر زبان آر که فراوان کار نیکو آنان زیاد کردند، دلیر را بر انگیزاند و ترسان بد دل را به کوشش مایل گرداند انشاء الله...»

۱- مهدی، کامران، امام علی فخر عدالت، اصفهان؛ انتشارات گلهای محمدی، ۱۳۸۰، صفحه ی ۲۷،
۲- سید جعفر، شهیدی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران؛ انتشارات و آموزش اسلامی، ۱۳۷۱، نامه ی ۵۳، صفحه ی ۳۲۸.

۳- سید جعفر، شهیدی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران؛ انتشارات و آموزش اسلامی، ۱۳۷۱، کلمات قصا، صفحه ی ۴۴۵.

و نیز مقدار رنج هر یک را در نظر دار و رنج یکی را به حساب دیگری مگذار و در پاداش او به اندازه ی رنجی که دیده و زحمتی که کشیده تقصیر میار و مبادا بزرگی کسی موجب شود که رنج اندک او را بزرگ شماری و فرودی رتبه مردی سبب شود، کوشش وی را خوار به حساب آری.^۱

ب) اهداف نظام سیاسی در جهت تحقق عدالت

حضرت علی (ع) یکی از اهداف خود را برای قبول حکومت، فرمان خداوند بر علما و دانایان می داند که، ستمکار شکمباره را بر نتابند و به یاری گرسنگان ستمدیده بشتابند. بنابراین اولین هدف، از بین بردن شکاف طبقاتی و ظلم در جامعه و تحقق عدالت اجتماعی است.

در همین راستا بود که امام علی (ع) فرمودند: خوار نزد من گرانقدر است تا هنگامی که حق او را بدو بر گردانم و نیرومند، خوار تا آنگاه که حق را از او باز ستانم.^۲

بنابراین احقاق حق و اجرای دقیق قانون، اولین شرط لازم برای یک نظام سیاسی عادل است و حضرت علی (ع) توانست آن را در نظام سیاسی خود به مورد اجرا گذارد. و چون کار حکومت به من رسید به کتاب خدا و آنچه



برای ما مقرر نموده و ما را به حکم کردن بدان فرموده، نگریستم و از آن پیروی کردم و به سنتی که رسول خدا (ص) نهاده است بر پی آن رفتم.^۲

ج) عدالت در اجرای حدود و قوانین

در حکومت حضرت علی (ع) همه در مقابل قانون برابر بودند و هیچ گونه تفاوت و برتری میان اشخاص، گروه ها و طبقات اجتماعی وجود نداشته و امام صریحا به فرماندار مصر دستور می دهند که: «... بپرهیز از مقدم داشتن خود، در اموری که مردم در آن مساویند»

از مهمترین نکته های مربوط به عدالت در آیات و روایات عموما در سیره و سخنان حضرت علی (ع) به شرح زیر است:

الف) مساوات در برابر قانون

حضرت علی (ع) به هنگام شمردن حقوق مردم بر والی و لزوم مراعات تساوی میان آنان را در زمره ی حقوق مردم دانسته و می فرماید: «این تکنونوا عندی فی الحق سواء»^۳ و نیز آن حضرت در نامه ای به فرماندهان نظامی خود می نویسد:

«فإن الله جعلكم فی الحق جميعا سواء، أسودکم و أحمر کم و جعلکم من الوالی و جعل الوالی منکم بمنزله الوالد من الولد و الولد من الوالد... و أن حقکم علیه إنصافکم و التعديل بینکم»
معنی: خداوند همه شما را، چه سفید و چه سیاه و چه سرخ، در حق برابر قرار داده است و رابطه شما را با رهبر و رابطه او را با شما به منزله ی رابطه پدر با فرزند و فرزند با پدر قرار داده ... و همانا حق شما بر من -

۱- سید جعفر، شهیدی، شرح و ترجمه، نهج البلاغه، نامه ۵۳، صفحه ی ۳۳۱.

۲- سید جعفر، شهیدی، شرح و ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۳۷، صفحه ی ۳۷.

۳- سید جعفر، شهیدی، شرح و ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۲۰۵، صفحه ی ۲۳۹.

۴- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، نامه ی ۵۰، صفحات ۹۸۲ و ۹۸۳.

- است که در حق شما جانب انصاف بگیرم و عدالت بورزم.^۱

آن حضرت در اجرای قانون تفاوت گذاری میان مردم را جایز نمی دانست و بر این باور بود که قانون باید درباره همگان بی هیچ استثنایی اجرا گردد و حتی در مرحله عمل خود را که خلیفه مسلمانان بود، با دیگران از این جهت مساوی قرار داده و قانون را درباره خود به اجرا در آورد.

آن حضرت در آستانه ی شهادت اندیشناک بود که مبادا به ابن ملجم که ناجوانمردانه بر او ضربت زده بود، پس از شهادت ستم روا دارند و از این رو فرمود:

«یا بنی عبد المطلب لا ألفینکم تخضون دماء المسلمین حوضا تقولون؛ قتل أمير المومنین، قتل أمير المومنین ألا لا یقتلن إلا قاتلی. أنظروا إذا أنا مت من ضربته هذه فاضربوه ضربه بضره و لا یمثل بالرجل...»^۲

(ای فرزندان عبد المطلب مبادا که باگفتن پیاپی (امیر مومنان کشته شد) (امیر مومنان کشته شد) در خون مسلمانان غوطه ور شوید. به هوش باشید که به خونخواهی من هیچ کس جز قاتلم نباید کشته شود. هر گاه از ضربت او جان دادم، در برابر ضربت او تنها یک ضربت بر او بزنید و نباید او مثله شود...)

بی شک آن حضرت از عصمت فرزندانش (حسن و حسین) آگاه بود و به خوبی می دانست آنان دستان خود را به ستم آلوده نخواهند کرد با این همه تأکید فرمود که با قاتل من به عدالت رفتار شود و این نشانگر اهتمام آن حضرت به عدالت و تساوی همه ی مردم در برابر قانون است.



و از آن حضرت اسوه ی عدالت روایت شده است که به قنبر غلام خود فرمان داد حد شرعی را بر مردی جاری سازد ، قنبر سه تازیانه بر او بیشتر زد، حضرت علی (ع) دستور داد آن مرد قنبر را قصاص کند. نیز نجاشی از شیعیان حضرت علی (ع) بود و با اشعارش به اسلام خدمت کرده بود، چون شراب نوشیده بود، حضرت امر کرد که او را حد بزنند او یکی از مسلمانان است و به خاطر جرمش باید کیفر شود.

بدین سان باید گفت : که حضرت علی (ع) تجسم عینی و جلوه عملی این آیات و سنت رسول خدا بود. درباره ی سنت رسول خدا مناسب تر می نماید، از زبان خود آن حضرت گونه ای از عدالت ورزی پیامبر بزرگ خدا را یاد کنیم ؛

حضرت علی (ع) به ابن اعبد فرمود:

آیا تو را از داستان فاطمه (س) که محبوب ترین افراد نزد من و پیامبر خدا بود خبر ندهم ؟
گفت ؟ بلی . فرمود: فاطمه آن قدر آسیاب گردانید که دستانش پینه بست و به اندازه ای مشک آب کشید که اثر بند مشک بر گردنش نمایان شد و خانه را روید که جامه اش غبار گرفت.

زمانی اسیرانی چند برای پیامبر آوردند ، من به فاطمه گفتم خوب است نزد پدرت روی و از او خادمی بخواهی [تا در کارها تو را کمک کند و از این مشکلات برهی]. فاطمه خدمت پیامبر رفت، دید که آن حضرت با گروهی در حال گفت و شنود (یا جوانانی چند نزد آن حضرت اند) و بی آن که خواسته اش را عرض کند، بازگشت .
فردای آن روز پیامبر نزد فاطمه آمد و فرمود : با من چه کاری داشتی ؟

۱- بحار الانوار، جلد ۷۵ ، صفحه ی ۳۵۶.

۲- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و تفسیر فیض الإسلام، وصیت ۴۷ ، صفحه ی ۹۷۸.

فاطمه ساکت ماند. من گفتم : ای رسول خدا ! فاطمه آنقدر آسیاب گردانیده و مشک به دوش کشیده که دستانش پینه بسته و اثر مشک بر گردنش نمایان گردیده است. چون تعدادی اسیر برای شما آورده اند من به او گفتم خدمت شما برسد و از شما خادمی بخواهد تا او بار این مشکلات را بر دارد .
پیامبر فرمود:

ای فاطمه ! تقوا داشته باش، واجبات الهی خود را به جای آور و به کارهای خانه خود بپرداز چون به بستر رفتی، سی و سه بار (سبحان الله) ، سی و سه بار (الحمد لله) و سی و چهار (الله اکبر) مجموعاً صد بار می شود بگو . این برای تو خادم است. فاطمه گفت: از خدا و رسولش خشنودم.^۱

حضرت علی(ع) در بیزاری جستن و پرهیز از استفاده شخصی از بیت المال و اجرای دقیق عدالت چنین فرمود :
به خدا سوگند عقیل را دیدم که فقر او را از پای در آورده و به ناچار یک من از گندم بیت المال به خاطر نیازش بیش از سهم مقرر از من خواست. و کودکانش را دیدم که با موهای ژولیده و رنگ های پریده از شدت فقر، چنان که گویی چهره آنان به نیل، سیاه شده بود و مکرر به من مراجعه می کرد. من به سخنان او گوش دادم، او پنداشت که دینم را به او می فروشم و از راه خدا باز گشته و اختیار خود را به اومی دهم.
اما من آهنی را در آتش گداختم و آن را نزدیک بدن او بردم تا عبرت گیرد. ناگهان چونان بیماری دردمند فریاد زد و به گونه ای که نزدیک بود از آهن گداخته بسوزد.

بدو گفتم: ای عقیل، مادران به سوگت نشینند! آیا از آهنی که یک انسان به شوخی داغ کرده ناله برمی آوری ، اما مرا به سوی آتشی می کشانی که خداوند جبار از سر خشم خود بر افروخته است؟! تو از آزار بنالی و من از آذر نالم!^۲

**ب) بهره وری همه مردم از امکانات عمومی**

حضرت علی در نامه ای به زیاد بن ابیه جانشین عبد الله بن عباس استاندار بصره می نویسد:
«و أنى أقسم بالله قسما صادقا لئن بلغنى أنك خنت من فى و المسلمین شیئا صغیرا أو کبیرا لأشدن علیک شده تدعک لقلیل الوفر ثقیل الظهر، فئیل الأمر و السلام»^۳
معنی: صادقانه به خدا قسم می خورم که اگر گزارش رسد از غنایم بیت المال مسلمین چیزی کم یا زیاده خیانت برداشته شود (تو برداشته ای) آنچنان برتوسخت بگیرم که درزندگی کم بهره، بی نوا، بیروضعیف شوی. والسلام.
یکی از جلوه های مهم عدالت اسلامی آن است که حقوق مردم در امکانات عمومی بطور کامل و دقیق در نظر گرفته شود. انواع امتیازهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حمایت های معنوی و اعتباری باید به گونه ای سامان یابد که مردم به طور برابر بتوانند از آنها بهره ببرند. پیامبر و حضرت علی (ع) در تقسیم بیت المال هم با دقت و هم با سرعت حقوق مردم را به آنان می رساندند. و در این راه تفاوتی میان خویشان و نزدیکان و دیگر مردم و نیز میان سیاه و سفید، و عرب و عجم نمی گذاشتند. و به هنگام و به دقت سهم هر کس را به او می رساندند.
حضرت علی (ع) در نامه ای به یکی از استاندارانش که از بیت المال طرفی بسته و به مکه رفته بود، ضمن -

۱- حضرت علی (ع)، و من لا یحضر الفتیة جلد ۱، صفحه ۳۲۲ و ۳۲۴ و ۸۰۳. بر گرفته از اینترنت . WWW. Haram.ir

۲- عباسی، قدیانی، داستانهایی از زندگی حضرت علی (ع)، تهران؛ انتشارات آرون، ۱۳۷۹، صفحه ی ۲ تا ۹ و نهج البلاغه خطبه ۲۱۵، صفحات ۷۱۳ و ۷۱۴.

۳- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، نامه ۲۰، صفحه ی ۸۷.
- تهدید شدید او، تأکید بر باز گرداندن بیت المال فرمود:

«والله لو أن الحسن و الحسين فعلا مثل الذی فعلت ما کانت لهما عندی هواده و لا ظفرا منی باراده حتی أخذ الحق منهما وأریح الباطل عن مظلمتها»^۱

به خدا سوگند اگرحسن وحسین مانند تو کرده بودند، از من روی خوش نمی دیدند و از سوی من به آرزوی خویش نمی رسیدند تا آن حق را از آنان باز ستانم و اثر ظلم پدید آمده را نابود سازم.

حضرت علی (ع) سخنان مشابه در بر خوردی قاطع با ابی رافع داشت، هنگامی که گردنبندی از بیت المال را به گردن دخترش آویخته دید، و بر خورد آن اسوه عدالت با عقیل که به دلیل به ستوه آمدن از فقر سهم بیشتری از بیت المال در خواست کرد، نیز در این باره بسی عبرت انگیز می نماید.^۲

درباره تقسیم مساوی بیت المال و تبعیض ستیزی

هنگامی که از حضرت علی (ع) خواستند، دست کم در کوتاه مدت جانب اشراف و رؤسای قبایل را بگیردو سهم بیش تری به آنان بدهد، تا پایه های حکومتش استوار گردد، آن گاه عدالت را پیشه کند، حضرت در پاسخ فرمود: «أأمرونی أن أطلب النصر بالجور فمن ولیت علیه، و الله ما أظور به ما سمر سمیرا و ما أم نجم فی السماء نجما لو کان المال لی تسویت بینهم فکیف و أما المال، مال الله ألا و إن أعطاء المال فی غیر حقه تبذیر و إسراف»^۳.

مرا فرمان می دهید تا پیروزی را درباره آن که والی اویم به ظلم طلب کنم؟ به خدا که نپذیرم تا جهان سر آید و ستاره ای در آسمان از پی ستاره ای بر آید. اگر مال از آن من بود میان آنان به مساوات تقسیم می کردم تا چه رسد که مال، مال خداست (بیت المال) بدانید که بخشیدن مال به آن که مستحق آن نیست، تبذیر و اسراف است.

**ج) عدالت و انصاف**

نامه ی امیر المومنان (ع) به امام حسن مجتبی(ع) این گونه آمده است :

«إجعل نفسک میزانا بینک و بین غیرک فأحب لغيرک ما تحب لنفسک و أکره له ما تکره لها و لا تظلم کما لا تحب ألا تظلم و أحسن کما تحب أیحسن إلیک و استقبیح من نفسک تا تستقبیح من غیرک...و لا تقل ما لا یحب أن یقال لک»^۴

پسرم در آنچه بین تو و دیگران است خود را ترازو قرار بده، از این روی برای آنان بیسند آنچه را برای خود می پسندی، و نخواه برای آنان آنچه را برای خود نمی خواهی و ستم مکن چنان که نمی خواهی به تو ستم شود و نیکی کن چنان که دوست داری به تو نیکی شود و زشت دان برای خود آنچه دوست نداری درباره ات گفته شود، درباره ی آنان مگو.

محقق خوانساری در توضیح آن دسته از روایات غررالاحکم که درباره عدالت و انصاف است می نویسد: عدالت و انصاف در روایات به یک معنا است و آن این است: که کسی خود را برابر داند با دیگران، در این که حق خود را چنان که برای خود می خواهد حق دیگران را هم برای ایشان خواهد، و در پی از بین بردن حق کسی نباشد-

۱- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، نامه ۴۱، صفحه ی ۹۵۷.

۲- عباس، قدیانی، داستانهایی از زندگی حضرت علی (ع)، تهران: انتشارات آرون، ۱۳۷۹، صفحات ۳ تا ۹.

۳- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، خطبه ۱۲۶، صفحات ۳۸۹ و ۳۹۰.

۴- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، نامه ۲۸، صفحه ی ۹۲۱.

(خواه حق، مالی باشد و یا غیر مالی) و همچنین میان دو کس چنین حکم کند و سلوک نماید، و اطلاق انصاف بر این معنا به اعتبار آن است که هر که چنین باشد خود را با هر که بسنجد انصاف کرده، یعنی خود را یک نصف قرار داده و دیگری را نصف دیگر. و همچنین هر دو کس را که با هم بسنجد، هر یک را یک نصف قرار داده و خود را بر دیگران ترجیح ندهد و همچنین شخصی را بر شخص دیگر (این روایت از حضرت علی (ع) بیان شده است).
شیخ طوسی و برخی از مفسران ۲۲۳ واژه (قسط) را در قرآن به معنای عدالت دانسته اند، به عنوان نمونه در تفسیر آیه «إن الله یأمر بالعدل و الإحسان» می نویسد:

«إن الله یأمر بالعدل. یعنی: الإنصاف بین الخلق و فعل ما یجب علی المکلف»^۱

غزالی ضمن لزوم اجرای عدالت اجتماعی بر رهبر جامعه اسلامی و تلاش برای تعریف و تفسیر عدالت می نویسد (اصل پنجم، انصاف): هر واقعیتهایی که پیش آید، تقدیر کند که او رعیت است و دیگری والی، هر چه به خود نپسندد هیچ مسلمان را نپسندد و اگر بپسندد خیانت کرده باشد.

د) حکومت قانون

بی شک مساوات مردم در برابر قانون از جلوه های عدالت است در حکومت حضرت علی (ع) به روشنی می توان این نکته دست پیدا کرد. آن حضرت همه ی افراد و از جمله خود را در مقابل قانون مساوی می دانست. و در نهج البلاغه در این باره از ایشان چنین نقل شده است.

«وإن تكونوا عندی فی الحق سواء، فإذا فعلت ذلک و جبت لله علیکم النعمه...»^۲

و اینکه شما در حق نزد من برابر باشید (یکی را بر دیگری برتری ندهم)، پس هر گاه رفتار من با شما چنین باشد بر خداست که نعمت را بر شما تمام کند، اگر تعمیم قسط و عدالت در ای دو آیه شریفه «یاأیها الناس آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله و لو علی أنفسکم أوالاقربین و الوالدین»^۳ و «کونوا قوامین لله، شهداء بالقسط»^۴

به همه ی ابعاد زندگی اجتماعی روا باشد، می توان این معنی از آیه شریفه استفاده کرد :



قانون مساوات که از اشرف قوانین مبارکه مأخوذه از سیاست اسلامیه و مبنا و اساس عدالت و روح تمام قوانین است و حقیقت آن در شریعت مطهره عبارت از آن شده باشد، در مرحله ی اجرا نسبت به مصادیق و افرادش بالسویه و بدون تفاوت منجر می شود. بی شک همه ی مردم در برابر قانون مساویند. و قانون برای همه ی آنان بی هیچ تبعیضی همواره باید یکسان اجرا شود.

آنچه را که نمی توان به سادگی از آن گذشت این است که در رابطه با شناخت معنا و مفهوم عدل و عدالت، باید میان تفاوت و تبعیض فرق گذاشت، چه تبعیض منافی عدالت است و تفاوت موافق آن . دو کارگر که هر دو، به مدت هشت ساعت، کار یکسان کرده اند و از هر جهت مساویند، اگر به یکی هشتصد تومان مزدوبه دیگری کمتر از آن داده شود، این تبعیض و جور است و از عدالت به دور. اما اگر به یکی که هشت ساعت کار کرده، مزد بیشتری بدهند و آن یکی که کار کمتری کرده است، مزد کمتری بدهند (چون کمتر

۱- محمد بن حسن طوسی، التبیان، جلد ۶، صفحه ی ۴۱۸.

۲- حضرت علی (ع) ، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، نامه ی ۵۰ ، صفحه ی ۵۶۸.

۳- سوره نساء، آیه ی ۱۳۵.

۴- سوره مائده ، آیه ی ۸.

زحمت کشیده است) این تفاوت بوده ونافی عدالت نیست، بلکه خود، مصادیقی از عدل است . و اگر در اینجا به هر دو مزد مساوی بدهند، ظلم و جور کرده اند.

پس عدل آن است که کسی را از حد واقعی استحقاقش، کمتر ندهند و اگر بیشتر از ارزش کارش به او مزد داده می شود، این لطف و تفضل خواهد بود که امام علی (ع) خود فرمود: «العدل الإنصاف و الإحسان التفضل»^۱. این عنوان احسان و تفضل، تبدیل به جور و ستم خواهد گردید آنجا که این بیشتری را به کسی بپردازند که با فرد دیگر یکسان کار کرده ، اما آن فرد دیگر را محروم گزارند، مگر آنکه از سمت و سویی دیگر، جهت رجحان در آن و یا جهت مرجوحی در این باشد که باز هم به تفاوت بازگشت داد.

با این وضع و حال است که بسیار کسان، این حقایق را بر نمی تابند و آن و ناله سر می دهند ، و با عذرها و بهانه های گوناگون و حتی به ظاهر مذهبی ، فریاد فغان بر می آورند و یا به توجیه و تأویل می پردازند. سهل بن حنیف، غلام سیاهی را به محضر آن حضرت آورد، گفت: «به این، چه اندازه می دهی؟» حضرت علی (ع) به سهل فرمود : «تو خود، چه اندازه گرفته ای» پاسخ داد: سه دینار مطابق آنچه دیگران گرفته اند. حضرت علی (ع) فرمود: غلام او را نیز همانند خودش، سه دینار بدهید.^۲

هـ) وضع بایسته

سید رضی در نهج البلاغه از حضرت علی(ع) روایتی نقل کرد است «العدل یضع الامور مواضعها»^۳

عدالت هر چیزی را در جای خودش قرار می دهد.

بدین سان عدالت عبارتست: از رفتار شایسته، بجا ، درست و برحق ، در همه ی مسائل اجتماعی و فردی . عدالت در اینجا : وضعیت و رویه شایسته و بایسته ای است که باید در جامعه استقرار یابد هر کاری بایدبجا و به مورد و آن گونه که سزاوار است انجام شود. هر توزیعی درست و صحیح انجام شود. هر قضاوتی برحق و بر طبق موازین باشدوبالآخره هر چیز به جای خود نهاده شود.

حقیقت بر قراری مساوات و موازنه میان امور عدل می باشد و هر چیزی به سهمی که استحقاق آن را دارد برسد و همه ی امور در دست یافتن به جایگاهی که سزاوار آن هستند مساوی گردند، پس عدل در اعتقاد آن است، که به حق ایمان آورد. و در رفتار عدل آن است که به اعمالی دست یابد که سعادت وی را در پی دارد، واز افعالی که سبب بد بختی او می شود بپرهیزد و عدالت در جامعه و میان مردم آن است که هر شخصی در جایگاهی که



استحقاق عقلی و شرعی و عرضی آن دارد، قرار دهد. پس نیکوکار بخاطر احسانش پاداش دهند و گناهکار را به خاطر گناهش کیفر کنند، و حق مظلوم را بستانند. و در اجرای قانون یکسان عمل کنند و هیچ تبعیضی و استثنایی روا ندارند.

این همان عدالتی است که یکی از خواسته های حضرت علی (ع) در جامعه و (امت پیامبر) بوده است .
در اشعار مولوی:

عدل چه بود وضع اند موقعش ظلم چه بود وضع در ناموضعش

عدل چه بود آب ده اشجار را ظلم چه بود آب دادن خار را

۱- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، حکمت، ۲۳۱،

۲- بحار الانوار، جلد ۴۰، صفحه ی ۱۰۷،

۳- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الإسلام، حکمت ۴۲۹، صفحه ی ۱۲۹۰.

« روش امام علی (ع) در عدالت »

و من کلام له و علیه السلام: «و قد أَرَعِدَا وَأَبْرَقُوا، ومع هذين الأمرين الفشل، ولسنا نرعد حتى نوقع، ولا نسيل

حتى نمطر»^۱.

از سخنان آن حضرت علیه السلام است: مانند رعد صدا کرده، ترسانیدند و مثل برق درخشیده از جای درآمدند (با لاف و گزاف و فتنه و فساد بر انگیختند و اسباب کار جنگ را فراهم نمودند) و با این جوشش و خروش در وقت کارزار ناتوان و ترسان بودند، و لیکن ما صدا نمی کنیم و نمی ترسانیم تا موقع عمل (گفتار ما مقرون به کردار است) و تا نیاریم سیل جاری نمی کنیم (چنانکه محال است پیش از آمدن باران سیل جاری گردد، محال است فتح و فیروزی نصیب گوینده ای گردد که کردار نداشته باشد).

روش حضرت علی (ع) مانند روش رسول خدا (ص) بود اگر نگوییم عین همان روش، زیرا پیامبر فرمود: «مشت من و مشت علی در عدالت برابر است»^۲.

و فرمود: او از همه شما به عهد خود وفادار تر، به امر خدا عامل تر، در میان رعیت عادل تر، و در تقسیم مساوی، قسمت کننده تر و نزد خدا با مزیت تر است.^۳

خود حضرت فرمود:

به خدا سوگند اگر بر خار مغیلان شب را تا صبح بر خار سعدان بیدار به سر برم یا مرا در غل و زنجیر به روی زمین کشند نزد من محبوبتر از آن است که روز قیامت خدا و رسول را در حالی دیدار کنم که برخی از بندگان ستم نموده یا چیزی از کالای بی ارزش دنیا برای خود غضب کرده باشم ... به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با همه ی آنچه در زیر افلاک آنهاست به من دهند تا با گرفتن آن پوست جوی از دهان مورچه ای نافرمانی خدا کنم، هرگز نخواهم کرد.^۴

و فرمود: آن کس که خود را پیشوای مردم قرار می دهد باید به آموزش خود پیش از آموزش دیگران بپردازد و باید تأدیب عملی او پیش از تأدیب زبانی او باشد و آموزگار و تأدیب کننده خویش، پیش از آموزگار و تأدیب کننده دیگران باشد، چنین فردی شایسته تجلی است.^۵

و فرمود: به خدا سوگند که من شما را به هیچ طاعتی بر نمی انگیزم جز آنکه خود پیش از شما بران عمل می کنم و شما را از گناهی باز نمی دارم جز آن که خود پیش از شما از آن باز می ایستم.^۶

واز فرمایشات حضرت علی (ع) درباره ی عدالت و حقوق متقابل رهبری و رعیت است؛

همانطور که مرا بر شما حقی است، شما نیز بر من حقی است و حق فراخترین چیزها است هنگام وصف و گفتگو با یکدیگر و تنگترین چیزهاست زمان کردار و انصاف دادن با هم. کسی را بر دیگری حقی نیست مگر-



۱- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، خطبه ۹، صفحه ۶۰.

۲- مناقب ابن مغازی، صفحه ۱۲۹.

۳- فرائد المسطین جلد ۱، صفحه ۱۵۶.

۴- احمد، احمدی بیر جندی، علی اسوه ی عدالت، تهران: انتشارات اسوه، چاپ سوم ۱۳۷۴، و نهج البلاغه خطبه ۲۲۳.

۵- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، خطبه ۷۳.

۶- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، خطبه ۱۷۵.

اینکه آن دیگری را هم بر او حقی است و آن دیگری حقی بر او نیست مگر اینکه او را هم حقی است (مثلا: حق رعیت بر والی آن است که در اصلاح کارشان بکوشد و مملکت را منظم دارد و حق والی بر رعیت آن است که؛ در حق و صلاح فرمان او برند) و اگر کسی را بر دیگری حقی باشد که دیگری را بر او حقی نباشد، چنین حقی مختص خداوند سبحان است و آفریدگانش چنین حقی ندارند. زیرا او قدرت و توانایی دارد. و در هر چه قضا و قدر او جاری گردد عادل و داد گر است. ولیکن خداوند سبحان از روی فضل و کرم و چون اهل جود و بخشش بسیار است حق خود را بر بندگان این قرار داده که او را طاعت کنند، و پاداش ایشان را بر خود چند برابر کردن ثواب گردانید.

۲- «واژه شناسی محبت»

در لغت به معنی: مهر، دوستداری و دوستی، مودت و عشق آمده است.

اما در اصطلاح بر چند وجه است: یکی به معنی ارادت به محبوب که بی سکون نفس و میل و هوس حاصل نمی شود و یکی بواسطه ی میل و هوس و انس حاصل می شود که مخصوص مخلوقات است، نسبت به یکدیگر و دیگر به معنی احسان باشد و تخصیص بنده که او را به درجه کمال رساند و دیگر به معنی ثناء جمیل است بر بنده^۱. در اصطلاح تصوف عبارتست از:

در شعر خاقانی: محبت نمی زاید اکنون طبایع کز این چار زن مرد زائی نبینم

حافظ نیز می فرماید: صنعت مکن که هر که محبت نه راست باخت عشقش بر وی دل در محنت فراز کرد یا سعدی می گوید: حلوا به کسی ده که محبت نچشیده.

محبت: میل درونی آدمی است به چیزی که آن را نیکو می پندارد و دو نوع غریزی و اختیاری است.^۲ جنیدمی گوید: محبت میل قلب است و محبت صفتی است که در میان مخلوقات و میان بنده و حق تعالی می باشد. محبتی که میان مخلوقات است اول درجه آن موافقت طبع است، که عاقبت به عشق شاید منتهی شود. و محبت حق به بنده خیر است و محبت بنده بر حق، طاعت است و هر چند محبت زیادت گردد، طاعت زیادت شود و از این جهت بعضی گویند: محبت موافقت است در طاعت (از فرهنگ اصطلاحات عرفا تألیف سیدجعفر سجادی). محبت میل روح است به مشاهده جمال ذات الهی و آن دو قسم است عام و خاص. محبت عام، بسبب ممازجت به اعراض، شرابی است حامل صفا و کدروت و لطافت کثافت، محبت خاص به جهت تنزه از مخالفت اعراض، همه صفا و لطافت در لطافت و خفت در خفت است (از نفائس الفنون علم تصوف).^۳

محبت از دیدگاه حضرت علی (ع)

«و اشعر قلبک الرحمة للرعیة و المحبة لهم و اللطف بهم»^۴

دلت را با مهربانی و محبت و لطف و احسان نسبت به مردم ببوشان.

۱- علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه ی لغت نامه دهخدا، ۱۳۴۱، جلد ۴۲، صفحه ۵۰۴.

۲- محمد علی، کریمی نیا، آثار و برکات محبت اهل بیت، قم؛ نشر کوثر ادب، ۱۳۸۳.



۳- علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران : مؤسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۴۱، جلد ۴۲، صفحه ی ۵۰۴.

۴- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الإسلام، نامه ۵۳، صفحه ۹۸۸.

کنایه از این است که : رحمت و محبت و لطف تو نسبت به مردم ظاهری و بر اساس منافع و مصالح نباشد، بلکه باید قلبی و همه جان تو آکنده از مهربانی و محبت و لطف نسبت به آنها باشد و نگذاری در دل تو ذره ای خشونت، بغض و یا بی لطفی نسبت به آنها وجود داشته باشد.

و قال علیه السلام: «موده الآباء قرابه بین الأبناء و القرابه أحوج إلى الموده من الموده إلى القرابه»^۱.

امام علی علیه السلام (درباره دوستی) فرموده است: اثر دوستی پدران بین پسران مانند خویشاوندی است (چون پسران از دوستی و دشمنی که بین پدرانشان بوده ارث می برند اصل در یاری نمودن به یکدیگر دوستی است و خویشاوندی از اسباب آنست) و از اینرو خویشاوندی به دوستی نیازمند تر است از دوستی به خویشاوندی (ابن ابی الحدید در اینجا می نویسد: از کسی پرسیدند: از برادر و دوستت کدام را بیشتر دوست داری ؟ گفت: برادرم را اگر دوست باشد).

و من خطبة له علیه السلام : «و لقد أحسنت جوارکم ، و أحطت بجهدی من ورأئکم و أعتقتکم ، من ربق الذل، و حلق الضیم ، شکرنا منی للبر القلیل، و إطرافا عما أدرکه البصر، و شهده البدن من المنکر الكثير»^۲.

و از خطبه های حضرت علی (ع) است (درباره ی معاشرت و مهربانی که با مردم فرموده) :

من برای شما معاشر و همنشینی نیکو بودم که بکوشش خود شما را از پشت سر حفظ نمودم ، از تباهاکاریها و پیشامدهای آینده شما را آگاه کردم تا خود را با آنها گرفتارنمایید و شما را از ریسمان های ذلت و خواری و حلقه های ظلم و ستم (و بیچاره بودن) رهایی دادم به جهت سپاسگذاری کردنم و در مقابل اندک نیکویی (که از شما هویدا گردید) و به جهت چشم پوشی از کارهای زشت بسیاری که در حضور من واقع شده و بچشم دیدم (زیرا زمامدار را چاره ای نیست مگر احسان به نیکو کاران و عفو و بخشش از بد کرداران).

الف) محبت مبنای خوشبینی کار گزاران نسبت به مردم

«و اعلم إنه لیس شیء بادی إلى حسن ظن راع برعیته من إحسانه إلیهم و تخفیفه الوؤفات علیهم و ترک إستکراهه آیا هم علی ما لیس له قبلهم فلیکن فی ذلک أمر یجمع لک به حسن الظن برعیتک فإن حسن الظن یقطع عنک نصبا طویلا»^۳.

بدان مالک ! هیچ وسیله ای برای خوش بین شدن کار گزاران نسبت به مردم کار آمد تر از احسان نیست به آنها و سبک کردن فشارهای زندگی از آنها و تحمیل نکردن آنچه را که در حد توان مردم نیست، وجود ندارد . بنابراین برای موارد مذکور چنان تدبیر کن تا اسباب خوشبینی نسبت به مردم برای تو فراهم شود زیرا خوشبینی نسبت به مردم رنج طولانی مشکلات را از تو بر می دارد.

امام علی (ع) در این نامه سه مصداق از محبت و مهر ورزی را بیان فرموده است:

۱- احسان

۲- سبک کردن فشارهای زندگی از دوش مردم

۳- تحمیل نکردن آن چه که در حد توان مردم نیست. سپس حضرت نتیجه مهر ورزی را در مصادیق سه گانه خوشبینی نسبت به مردم مطرح کرده اند. حقیقت این است که حکومتهای سلطه پذیر در طول تاریخ استعمار، -

۱- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الإسلام، حکمت ۳۰۰، صفحه ی ۱۲۳۳.

۲- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، خطبه ۱۵۸، صفحه ی ۵۰۱

۳- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، نامه ۵۳، ۳۶.



- با بدبینی نسبت به نقش و توانمندی مردم در مقابل دشمنان، دست تسلیم در برابر دشمنان بلند کرده و با تکیه به آنها دچار فرو رفتگی و خیانت به ملت شده اند .

ب) محبت و مهر ورزی بامردم جز با دل‌های پاک ممکن نیست

امام علی در نامه ای به مالک اشتر می فرماید :

« وإن أفضل قرّة عين الولاة إستقامة العدل في البلاد و ظهور مودة الرعية وإنه لا تظهر مودتهم إلا بسلامه ضرورهم»^۱
همانا برترین چشم روشنی کارگزاران بر پایی عدالت در شهرها و ظهور محبت آنها نسبت به مردم است و این محبت ظهور پیدا نمی کند مگر بواسطه سلامت و پاکی، کارگزاران .

ج) امانت دانستن پست و مقام « اساس مهر ورزی و محبت »

امام علی (ع) در نامه ای به اشعث فرماندار آذربایجان که پس از جنگ جمل در شعبان سال ۳۶ هجری در کوفه نوشته ، خطاب فرمودند: « و إن عملك ليس لك بطمعه (مطعمه) و لكنه في عنقك أمانة»^۲
همانا پست فرمانداری برای تو وسیله ی آب و نان نبوده، بلکه امانتی است که در گردن تو است.
حضرت علی (ع) بر اساس اصل « امانت» بودن پست و مقام مالک را بر حذر داشته است که مردم را به چشم طعمه ای نگاه کند که با درنده خوبی بخواد گوشت تن آنان (بیت المال) تناول کند.
حقیقت این است که اگر به مقام به دیده امانت نگاه نشود موجب درنده خوبی می شود و زمینه ستم و ستمگری را فراهم می سازد و لذا از این سخن استفاده می شود که مبنای مهرورزی با بندگان خدا این است که پست و مقام را یک امانت الهی بدانیم .

حضرت علی (ع) در جای دیگری می فرماید: نسبت به مردم مانند حیوان درنده حمله ور مشو که خوردن آنها را مغتنم بشماری ، زیرا مردم دو گروهند: یک گروه برادران دینی تو و گروه دیگر مخلوقات خدا هستند که در خلقت دچار لغزش شده و اسباب بدکاری به آنها روی آورده ، و دانسته یا از روی غفلت مرتکب خطا شده اند، پس با بخشش و گذشت خویش آنان را عفو کن همانطور که دوست داری خداوند با بخشش و گذشت خویش تو را بیامزد .

د) مهر ورزی و محبت با مردم مستلزم نظارت است

نامه ۵۳ «ثم اسبغ عليهم الأرزاق فأن ذلك قوه لهم على إستصلاح أنفسهم و غنى لهم عن تناول تحت أيديهم و حجة عليهم إن خالفوا أمرک أو ثلموا أمانتك ، ثم تفقد أعمالهم و ابعث العيون من أهل الصدق و الوقاء عليهم فإن تعاهدك في السر لأمرهم حدوده لهم على استعمال الأمانة و الرفق بالرعية»^۳
پس حقوق فراوان به آنها عطا کن زیرا حقوق فراوان موجب توانایی آنها در اصلاح خویشستن می گردد و موجب بی نیازی از دست درازی به اموال بیت المال می شود و اتمام حجتی است بر آنان در صورت مخالفت امر تو و یا خیانت در امانت. سپس رفتار کارمندان را مورد بررسی قرار بده و باز رسانی را بر آنان بگمار از اهل صدق و وفادار ، زیرا بازرسی پنهانی سبب امانتداری و مهربانی آنان با مردم می شود.

۱- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه ، ترجمه و شرح فیض الاسلام، نامه ۵۳، ۵۸.

۲- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه ، ترجمه و شرح فیض الاسلام ، نامه ۵۳ .

۳- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام ، نامه ۵۳ / ۷۴.



« آسیب های محبت »

۱- منت نهادن

«ایاک و المن علی رعیتک باحسانک أو التزید یذهب بنور الحق و فتبع موعدک بخلفک فإن المن یبطل الإحسان والتزید یذهب بنور الحق والخلف یرجب المقت عندالله و عندالناس قال الله تعالی: کبر مقتا عند الله أن تقولوا تفعلون»^۱.

بر حذر باش از این که نسبت به احسان به مردم بر آنها منت بگذاری و یا نسبت به کار خویش برای مردم بزرگ نمایی کنی یا وعده ای به مردم بدهی و خلف وعده کنی زیرا منت گذاری احسان را باطل و بزرگ نمایی نور حق را خاموش می سازد و خلف وعده موجب خشم خداوند و مردم می شود ، خداوند فرموده است: دشمن بزرگ نزد خداوند آن است که چیزی را بگوید، آن چیزی را که عمل نمی کند. احسان از مصادیق مهم محبت نسبت به مردم است و آسیب آن منت گذاری است که موجب می شود که تأثیر احسان که ایجاد محبت در دلهاست از بین برود.

۲- سوء ظن

امام علی (ع) در نامه ی ۵۳ فراز ۱۲۹ تا ۱۳۱ به مالک اشتر می فرماید:

«وإن ظننت الرعیة بک حیفا فأصحر لهم بعدزک و أعدل عنک ظنونهم بأصحارک فإن فی ذلک ریاضة منک لنفسک و رفقا برعیتک و أذارا تبلیغ به حاجتک من تقویمهم علی الحق»^۲.

هرگاه مردم نسبت به بی عدالتی تو سوء ظن پیدا کنند پس عذر خویش را آشکار با آنان در میان بگذار و سوء ظن آنها را بر طرف کن که این کار ریاضتی برای خود سازی توست و موجب محبت به مردم است و در آن پوزش خواهی وجود دارد که نیاز حکومت را به بنیان گذاری جامعه و مردم بر حق تحقق می بخشد .

بر طبق سخن حضرت علی (ع) این بدگمانی باید از طرف حاکمیت به رسمیت شناخته شود و دو گونه بر خورد باید با آن صورت گیرد :

الف) شفاف سازی افکار مردم در صورت عدم صحت گمانه زنی آنان .

ب) عذر خواهی از مردم در صورت صحت گمانه زنی آنان.

سیس حضرت سه اثر را برای چنین بر خوردی با مردم شمرده اند؛

اثر اول:

خود سازی کار گزاران - حقیقت این است که احترام به نقطه نظرات مردم موجب مبارزه با نفس اماره است . نفسی که خصوصا در حوزه قدرت و مقام بسیاری از کار گزاران را به تکبر و تحقیر وا می دارد .

اثر دوم :

مدارا با مردم « رفق » با مردم دومین اثری است که چنین بر خوردی با گمانه زنی مردم نسبت به عدالت حکومت بر کار گزاران حاصل می کند. رفق به معنای مدارا است اما مدارایی که توأم با مهربانی و رفاقت است .

۱- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام ، نامه ۵۳/۱۴۶ و ۱۴۷ .

۲- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، نامه ۵۳ (فراز ۱۲۹ تا ۱۳۱).

حضرت علی (ع) در نامه ۴۶ خطاب به یکی از فرمانداران خود می فرماید :

«إرفق ما کان الرفق إرفق و إعتزم بالشدّة حین لا تغنی عنک إلا الشدّة»! آنجا که مدارا کردن بهتر است ، مدارا کن و در جایی که جز با درشتی کار انجام نگیرد درشتی کن



مدارا کردن با مردم که توأم با رفاقت و مهربانی نمودن با آنهاست از مصادیق مهم محبت است که بواسطه شفاف سازی یا عذر خواهی در برابر گمانه زنی های مردم در امر عدالت تحقق می یابد.
اثر سوم :

حضرت علی (ع) پایه گذاری جامعه و مردم بر حق را نیاز حکومت اسلامی و کار گزاران آن دانسته اند و عذر خواهی کار گزاران در صورت قصور و تقصیر را وسیله ی رفع این نیاز مطرح فرموده اند.

۳) محبت بر رعایت حقوق متقابل استوار است

«و أعظم ما افترض سبحانه من تلك الحقوق التي إفترضها لبعض الناس من علي بعض حق الوالی علی الرعیة و حق الرعیة علی الوالی فریضة فرضها الله سبحانه لكل علی كل فجعلها نظاما لألفتهم و عزا لدينهم»^۲. (خطبه ی ۲۱۶ فراز ۵ تا ۷)

بزرگترین و مهمترین حقوق که خداوند میان مردم واجب نموده است برای هر یک ، حق رهبری بر مردم و مردم بر رهبری است. حقوقی که دارای منفعت متقابل است برای هر یک بر دیگری این حقوق متقابل را نظام و سامانه (سیستم) الفت و همبستگی میان رهبر و مردم، موجب عزت دین قرار دارد.
اصول چهار گانه ای که دولت اسلامی ما به عنوان پایه های مدیریت اجرایی کشور قرار داده است یعنی ؛ عدالت گستر ی، مهر ورزی ، خدمت گذاری ، و تحول از عواملی است که الفت و مهربانی و پیوند بین رهبری نظام و مردم را تحقق می بخشد.

مهر ورزی متقابل ملت و حکومت یکی از پایه های الفت و همبستگی ملی و دینی است . حضرت علی (ع) تحقق الفت و محبت متقابل بین مردم و دولت را در چار چوب نظام و سامانه حقوق متقابل مردم و دولت دانسته و در این صورت است که مهر ورزی متقابل بین مردم و دولت را در چار چوب نظام و سامانه حقوق متقابل تحقق می یابد.

۴) غرور زدگی آفت محبت

امام علی (ع) در فراز اول نامه ۵ خطاب به فرماندهان خود می فرماید :
«أما بعد فإن حقا علی الوالی ألا یغییره علی رعیتة فضل ناله ولا طول حض به أن ما قسم الله له من نعمه دنوا من عباده و عطفًا علی إخوانه»^۳.

به رهبر و دولت اسلامی واجب است که بر تری که به آن دست یافته است و فضیلتی که بر او اختصاص یافته، موجب طغیان نسبت به حقوق مردم نشود بلکه آن فضائل را نعمتهایی مقدر شده از جانب خداوند می باشد که موجب نزدیک شدن به بندگان خدا و محبت و مهربانی نسبت به برادران دینی شود.

۱- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه ، ترجمه و شرح فیض الاسلام ، نامه ی ۴۶ صفحه ی ۹۷۶.

۲- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه ، ترجمه و شرح فیض الاسلام، (نامه ۲۱۶ فراز ۵ تا ۷).

۳- حضرت علی (ع)، نهج البلاغه ، ترجمه و شرح فیض الاسلام، (فراز اول نامه ۵۰) .



نتیجه گیری

از دیر زمان عدل علی (ع) زبانه زد خاص و عام است تا آنجا که به عنوان یک ضرب المثل، و محاورات و اشعار و امثال و ... به کار می رود و همگان به هر مناسبتی، از آن دم زده و می زنند، لکن توجه به این نکته حساس بسی ضروری است که اگر شخصی و یا جامعه ای بتواند عدل علی (ع) را از نظر فکری و نظری، آن گونه که شایسته است، درک کند و یا از نظر عینی و عملی پیاده کند، تازه فقط به یک گوشه از زوایای متعدد و به یک جهت از ابعاد وسیع و پهناور وجودی آن رهبر عظیم الشان بشری، دست یافته است. علی عدالت را در رأس امور قرار می دهد، تا از حکومت جائزانه و اشرافی فاصله گیرد و مدینه فاضله را بر اساس اسلام بنا نهد که انسانها، جدای از رنگ، نژاد، جنس و قبیله و طایفه نگریسته شوند و مورد قضاوت قرار گیرند و از نعمت های زندگی به یکسان بهره مند شوند. علی می فرماید: آیا پیروزی را با ستم به دست آورم؟ به خدا قسم آنها از سوی عدالت به جانب ستم فرار می کنند. در جای دیگر می فرماید: دشمن ستمکار و یاور ستمدیدگان می باشد. علی (ع) به خاطر حضور قرآن و لزوم حاضر نگه داشتن آن در صحنه و به ملاحظه وجود حجت تمام شده و به منظور ایفای آن تعهد تکوینی و تشریحی که خداوند بر عهده مسئولان جامعه و بر ذمه آگاهان و عالمان به اوضاع و جریانها قرارداده است. خلافت را می پذیرد و مطالبه بیعت را اجابت می کند. یوه فریاد مردم محروم و ستمدیده، پاسخ مثبت می دهد تا اسلام را بر پایه عدالت واقعی، استوار سازد و مجتمع اسلامی را از رحیق عدل و داد خود سیراب سازد. و اگر او خلافت را پذیرفت، خبر احیای عدالت داد گری و بسط قسط و عدل و احقاق حقوق اجتماعی و اقامه ی حدود و حمایت از مظلومان و مستضعفان و مقابله با طغیانگران و زورگویان هدف و مقصدی دیگر نداشت. حضرت علی (ع) بر این عقیده است که عدالت در جامعه باید برقرار گردد تا تبعیض از بین برود، حکومت قانون در جامعه استوار گردد، همه ی مردم از امکانات موجود و عمومی استفاده کنند نه اینکه فقط مخصوص گروه خاصی باشد و همه ی مردم در برابر قانون مساوی هستند و باید با همه به مساوات رفتار نمود.

محبت مبنای خوش بینی کار گزاران نسبت به مردم می شود. امام علی (ع) محبت و مهر ورزی را که سبب خوش بینی کار گزاران می شود سه نوع می داند: ۱- احسان. ۲- سبک کردن فشار های زندگی از روش مردم ۳- تحمیل نکردن آنچه که در حد توان مردم نیست

محبت و مهرورزی با مردم جز با دل های پاک ممکن نیست. حضرت علی (ع) می فرماید: همانا برترین چشم روشنی کار گزاران برپایی عدالت در شهرها و ظهور محبت آنها نسبت به مردم است و این محبت ظهور پیدا نمی کند، مگر بواسطه سلامت و پاکی کار گزاران.

حضرت، محبت و مهرورزی با مردم را مستلزم نظارت می داند و منت نهادن، سوءظن پیدا کردن، رعایت نکردن حقوق متقابل، غرور زدگی و .. را از آسیب های محبت می داند.

حضرت می فرماید: آنجا که مدارا بهتر است، مدارا کن و در جایی که جزبادرستی کار انجام نمی گیرد، درشتی کن.

حضرت علی (ع) در نامه ۵۳ می فرمایند: « و اشعر قلبک الرحمه للرحیه و المحبه لهم و اللطف بهم»
معنی: دلت را با مهربانی و محبت و لطف و احسان نسبت به مردم بپوشان.



« و السلام »

الهی !

خوشیم که محب اهل بیتیم

شادیم که اسیر ولای عترتیم

بی نیازیم، که نیازمند این خانه و خاندانیم

آزادیم ، که بسته این آستانیم

ما مرغ بام خانه آل محمدیم

هر جا رویم، در پی عترت روانه ایم

در دام عشق، دانه رنج و بلا خوش است

عمری است ما اسیر همین دام و دانه ایم .

« بر گزیده ای از سخنان جواد محدثی »



« فهرست منابع و مأخذ »

- احمدی بیرجندی ا، ۱۳۷۴، علی اسوه ی تقوی و عدالت، چاپ سوم، تهران : انتشارات اسوه.
- اصفهانی ع، ۱۳۷۵، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران : انتشارات فقیه.
- حسن زاده ذ ، ۱۳۸۰، علی علیه السلام امیر حکمت و عدالت ، تهران : مؤسسه فرهنگی نشر رامین.
- خوانساری ج ، ۱۳۶۰، شرح غرر الحکم و درر الکلم ، به تصحیح جمال الدین ارموی، تهران : انتشارات دانشگاه تهران .
- دهخدا ع ، ۱۳۴۱، لغت نامه ۵۰ جلدی دهخدا، تهران : مؤسسه لغت نامه دهخدا.
- شهیدی ج، ۱۳۶۸، ترجمه و شرح نهج البلاغه امام علی (ع) ، تهران : انتشارات علمی فرهنگی.
- طباطبایی م ، ۱۳۶۳ ، تفسیر المیزان ، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی ، تهران : نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز فرهنگی رجاء .
- عمید ح ، ۱۳۷۴، فرهنگ فارسی عمید ، جلد سوم ، تهران : انتشارات سپهر.
- قدیانی ع ، ۱۳۷۹، داستانهایی از زندگی علی (ع) ، تهران : انتشارات آرون.
- قزوینی ع ، ۱۳۷۱، بقاء و زوال دولت در کلمات سیاسی امیر مومنان ، به کوشش رسول جعفریان ، قم : انتشارات کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
- کامران م ، ۱۳۸۰، امام علی فخر عدالت ، اصفهان : انتشارات گلهای محمدی.
- کریمی نیام م ، ۱۳۸۲، آثار و برکات محبت اهل بیت ، قم : نشر کوثر ادب.
- مهاجر س، علی اقیانوس عدالت، تهران: انتشارات پیام آزادی، خیابان جمهوری اسلامی.
- نرم افزار برتر سال امام علی (ع) ، دانشنامه جامع نهج البلاغه ، مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه ی علمیه ی اصفهان.
- سایت های اینترنتی ؛

الف - [www. Haram. Ir](http://www.Haram.Ir)

ب- سایت خبر گذاری ایسکانیوز (باشگاه خبر نگاران دانشجویی ایران) Iran student correspondents association